

بازخوانی نسبت امر به معروف و نهی از منکر با حریم خصوصی

بر مبنای قرآن کریم

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۷

مرضیه محمص: دکترای علوم قرآن و حدیث
مدرس دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

فریضه امر به معروف و نهی از منکر از جمله شاخصه‌های بنیادین در دین مبین اسلام محسوب می‌شود. از جمله شبهات مطرح در این حیطة، تقابل ظاهری این فریضه با موضوع لزوم صیانت از حریم شخصی افراد است که در غالب مکاتب الهی مورد تاکید قرار می‌گیرد. تحدید قلمرو امر به معروف و نهی از منکر و حریم شخصی بر مبنای قرآن کریم حاکی از این است که چنانچه امر به معروف را دعوت به رعایت ارزش‌های مسلم و قطعی جامعه و حفظ مصلحت‌های انکار ناپذیر در نظام انسانی بدانیم، این اصل نه تنها با صیانت از حریم شخصی در تضاد نیست، بلکه همه مصلحان اجتماعی به عنوان اصلی که مقوم حریم شخصی افراد است، از آن استقبال خواهند نمود.

در این نوشتار سعی شده است ضمن ارائه تعریفی از امر به معروف و نهی از منکر و حریم شخصی و تعیین مصادیق قرآنی هریک، به ترسیم رویکرد قرآن کریم نسبت به اجرای همگام این دو مقوله پرداخته شود.

کلید واژه‌ها: امر به معروف و نهی از منکر، حریم شخصی، قرآن کریم، جامعه.

مقدمه

اساسی‌ترین پیش شرط سلامت اجتماعی افراد یک جامعه، شناخت الزامات اجتماعی، اخلاقی و حقوقی و پایبندی عملی به ملزومات این شناخت است. ارسال رسولان الهی به همراه شرایع آسمانی، طلیعه آگاه سازی انسان از اقتضائات نفسانی و راهکارهای رویارویی با طغیان‌گری‌های هلاکت بار آن است. امر به معروف و نهی از منکر، عامل مهمی در استمرار رسالت پیامبران و حفظ دین الهی است. این فریضه اجتماعی، در حقیقت نظارتی همگانی بر اوضاع پیرامونی جامعه و احساس مسئولیت در برابر عملکرد دیگران است.

ترویج خوبی‌ها و دوری از بدی‌ها اهمیت چشمگیری در پیشگیری و مقابله با کجروی‌های اجتماعی دارد. در عین حال از ظرافت ویژه‌ای برخوردار است. اجرای این فریضه چنانچه مستند به منابع دینی معتبر انجام نشود، نه تنها بازدارندگی لازم افاده نمی‌شود، بلکه عرصه طرح شبهاتی خاص را فراهم می‌آورد.

علی‌رغم اهمیت فراوان این اصل در برقراری امنیت اجتماعی، بازتاب مهجورانه و ناکامی‌های اجرایی حاصل شده در قرون اخیر، سبب ایجاد ابهاماتی شده است. این ابهامات غالباً ناظر بر ضعف بنیادهای فکری و تضاد و تقابل این اصل با اصول حقوقی و جامعه‌شناسی در عصر متکثر کنونی است؛ تا بدانجا که از این اصل با عنوان ناقض حریم شخصی افراد و آزادی‌های مشروع آنها یاد شده است.

بررسی مفهوم و مصداق امر به معروف و نهی از منکر و حریم شخصی در منابع اسلامی در زدودن این ابهامات تاثیر بسزایی دارد.

علاوه بر کتب فقهی که در باب «الامر بالمعروف و النهی عن المنکر» به کلیات و نحوه اجرای این فریضه توجه نموده‌اند، عبد الحسین رضایی راد در مقاله‌ای با عنوان «امر به معروف در ترازی عقل»، امر به معروف و نهی از منکر را مورد تدقیق قرار داده‌اند. مسعود



راعی راد نیز در مقاله‌ای با عنوان «حریم خصوصی و امر به معروف و نهی از منکر» با رویکردی حقوقی به تطبیق این دو موضوع پرداخته است.

مفهوم امر به معروف و نهی از منکر

امر، طلب و خواستن همراه با استعلاء و برتری و نهی دستور به خودداری و عدم اقدام است.^۱ معروف در کتب لغت، هم معنای مشهور و شناخته شده و منکر قول یا فعلی نارواست که رضایت الهی بدان تعلق نمی‌گیرد.^۲

معنای اصطلاحی امر به معروف و نهی از منکر هر کار پسندیده‌ای است که فاعل آن به نیکی آن عمل، آگاه باشد یا بدان راهنمایی شده باشد. در مقابل، منکر هر کار پسندیده‌ای را شامل می‌شود که فاعل آن از قباحت عمل آگاهی دارد یا بدان ارشاد شده است.^۳ در تعریفی دیگر، امر به معروف، راهنمایی و ارشاد مردم به راه‌های درست و رستگارکننده و نهی از منکر، بازداشتن از کارهایی است که سازگار با شریعت اسلام نباشد.^۴

علامه طباطبایی در معنای معروف می‌نویسد: «کلمه "عرف" به معنای آن سنن و سیره‌های جمیل جاری در جامعه است که عقلای جامعه آنها را می‌شناسند، به خلاف آن اعمال نادر و غیر مرسوم که عقل اجتماعی انکارش می‌کند (که اینگونه اعمال عرف "معروف" نبوده، بلکه منکر است) و معلوم است که امر به متابعت عرف، لازمه‌اش این است که خود امر کننده عامل به آن چیزی که دیگران را امر به آن می‌کند بوده باشد و یکی از موارد عمل همین است که تماسش با مردم و مردم را امر کردن طوری باشد که منکر شمرده نشود، بلکه به نحو معروف و پسندیده مردم را امر کند.»^۵

بر این مبنا می‌توان گفت: «معروف به افعال و صفاتی اطلاق می‌شود که عقل و شرع آن را شناخته و مورد تایید قرار داده است، به گونه‌ای که هر وجدان پاکی طالب آن است. پس امر به معروف عبارت از تشویق دیگران به انجام افعال و صفاتی است که به حکم عقل و از



طرف شارع به نیکی وصف شده باشند. منکر به معنای ناشناخته، به همه اعمال و صفاتی اطلاق می‌شود که شرع و عقل آن را به رسمیت نمی‌شناسد. بنابراین نهی از منکر، برحذر داشتن دیگران از انجام افعالی است که از طرف شارع و به حکم عقل به زشتی یاد شده- اند.^۶

مراد از حریم خصوصی

حریم در کتب لغت و کتب فقهی به معنای منع است. به عبارت دیگر حریم چه از جنبه اقتصادی و چه از جنبه اخلاقی محدوده‌ای است که نزدیک شدن به آن برای غیر صاحبش ممنوع باشد.^۷ بررسی کتب فقهی حاکی از این امر است که فقها کلمه حریم را درباره جان، مال، آبرو و خانواده و هر آنچه انسان از آن حمایت می‌کند، به کار برده‌اند.^۸ در قانون مدنی، حریم همان اراضی اطراف ملک و فئات است که برای کمال انتفاع از آن ضرورت دارد. حرمة المنازل نیز در منبع فوق‌الذکر اصطلاحی مرتبط با بحث حاضر است و به معنای پاس داشتن احترام منازل مسکونی مردمان و عدم هتک حرمت به چنین حوزه-هایی است.^۹

ترکیب «حریم خصوصی» اصطلاحی جدید است و علی‌رغم کاربرد فراوان در مباحث حقوقی و سیاسی، تعریف واحدی از آن ارائه نشده است. انصاری، حریم خصوصی را قلمروی از زندگی افراد می‌داند که انتظار می‌رود دیگران، نوعاً و عرفاً یا با اعلان قبلی بدان نظارت و دسترسی نداشته باشند و تعرض نمایند.^{۱۰}

یکی از محققان پس از بررسی تعاریف پراکنده درباره این اصطلاح تعریف ذیل را خالی از اشکال معرفی می‌کند:

«حریم خصوصی آن بخش از زندگی هر انسان است که در آن از آزادی در برابر بازخواست و کیفر حقوقی برخوردار است و هر گونه تصمیم‌گیری درباره آن و نیز



اطلاع، ورود و نظارت بر آن منحصرأ در اختیار اوست و مداخله دیگران در آن یا دسترسی به آن بدون اذن او مجاز نیست.»^{۱۱}

در این تعریف مصونیت از نظارت و مداخله دیگران و رهایی از محدودیت‌های حقوقی و استقلال در تصمیم‌گیری از عناصر محوری محسوب می‌شود. بر این مبنا حریم خصوصی دارای حیطه‌های جسمانی، ارتباطاتی، اطلاعاتی و مکانی است. امروزه دو گرایش کلی درباره حریم خصوصی به چشم می‌خورد:

- برداشت‌های توصیفی: از حریم خصوصی که توصیف می‌کند در عمل و واقع چه چیزهایی به عنوان امور خصوصی حمایت شده‌اند.

- برداشت‌های دستوری: از حریم خصوصی که درباره ارزش حریم خصوصی و حدود شایسته برای حمایت از آن صحبت می‌کند.

به موجب هر یک از برداشت‌های مذکور، برخی متفکران حریم خصوصی را «نفع» تلقی می‌کنند و برخی دیگر آن را یک «حق» اخلاقی یا قانونی می‌دانند که باید به وسیله جامعه یا قوانین، مورد حمایت قرار گیرد.^{۱۲}

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم

امر به معروف و نهی از منکر از احکام ضروری اسلامی در جهت رشد و تعالی اسلامی است که در قرآن کریم به مناسبت‌های گوناگون، صریحاً مورد تأکید قرار گرفته است. خداوند متعال پس از آنکه خود را به عنوان امر کننده به خوبی‌ها و نهی کننده از ناشایستی‌ها معرفی می‌کند (نحل: ۹۰)، پیامبر صلی الله علیه وآله را نیز متصدی این مقام می‌داند و از او می‌خواهد تا با روحیه مدارا، مردم را به معروف دعوت نماید.

(اعراف: ۱۵۷، ۱۹۲)



در آیات قرآنی نسلهای گذشته که سرمایه فکری و روحی شایسته‌ای برای مبارزه با فسادها نداشتند، اقوامی محکوم به هلاکت و تباهی نام گرفته‌اند. (هود: ۱۱۶ و مائده: ۷۹)

خداوند متعال در آیه ۱۰۴ سوره آل عمران سرافرازی و سعادت‌مندی را منوط به اجرای امر به معروف و نهی از منکر می‌داند و خطاب به مسلمانان می‌فرماید:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾؛ و باید از میان شما، گروهی، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند.

علامه طباطبایی با استناد به این آیه، امر به معروف و نهی از منکر را از لوازم و واجبات اجتماع معتصم به حبل الله معرفی می‌کند و معتقد است بازخواست و عقاب در تخلف این واجب کفایی، متوجه تک تک افراد است؛ ولی پاداش و اجر از آن کسی است که بدان پرداخته باشد. ایشان می‌نویسد: «مجتمع صالح، علمی نافع و عملی صالح دارد، علم و تمدن خود را با تمام نیرو حفظ می‌کند و افراد آن مجتمع، اگر فردی را ببینند که از آن علم تخلف کرد، او را به سوی آن علم برمی‌گردانند و شخص منحرف از طریق خیر و معروف را به حال خود واگذار نمی‌کنند و نمی‌گذارند آن فرد در پرتگاه منکر سقوط نموده، در مهلکه شر و فساد بیفتد، بلکه هر یک از افراد آن مجتمع به شخص منحرف برخورد می‌کنند، او را از انحراف نهی می‌کنند.»^{۱۳}

خداوند متعال در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَآلِئِنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (آل عمران: ۱۱۰)؛ شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید؛ به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند قطعاً برایشان بهتر بود برخی از آنان مؤمنند و [لی] بیشترشان نافرمانند.



مطابق این آیه، مسلمانان بهترین امتی هستند که خدای تعالی آن را برای مردم و برای هدایت مردم پدید آورده و ظاهر ساخت؛ چون ایمان به خدا دارند و به فریضه امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازند.

یکی از مفسران ذیل این آیه مسئولیت امت اسلامی را دفاع از ناکامان و ستمدیدگان و فراهم آوردن آسایش و امنیت و خوشبختی برای همه مردم دانسته و تاکید نموده است؛ ضامن این مسئولیت اجتماعی آن است که در هر شکل ممکن از بدی و زشتی جلوگیری شود.^{۱۴}

در آیه‌ای دیگر در قالب سفارشی از لقمان خطاب به فرزندش، بر این موضوع تصریح شده است که وجوب امر به معروف و نهی از منکر، مخصوص دین اسلام نیست.

﴿يَا بَنِي أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَالِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (لقمان: ۱۷)؛ «ای پسرک من، نماز را برپا دار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند باز دار و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است شکیبا باش. این [حاکمی] از عزم [و اراده تو در] امور است.»

یکی از مفسران با استناد به این آیه می‌نویسد؛ مسلمانان باید فرزندان خود را از طریق سفارش به نماز و امر به معروف و نهی از منکر، همچون افرادی مسئول و اجتماعی تربیت کنند و آگاهی فرزندان خود را به قدری بالا ببرند که معروف‌ها و منکرها را بشناسند تا بتوانند امر و نهی کنند. دلیل تقدم امر به معروف بر نهی از منکر این است که رشد معروف‌ها در جامعه، مانع بروز بسیاری از منکرات می‌گردد.^{۱۵}

مسلماناً اجرای امر به معروف و نهی از منکر منوط به تحقق ضوابطی است. اطلاع کافی و صحیح در امور دینی و تشخیص حلال از حرام و واجب از غیر واجب، احتمال اثر و عدم ترتب مفسده و رعایت مراحل قلبی، زبانی و عملی، صیانت از جان و مال و آبروی



افراد^{۱۴} و عدم جواز اجرای حدود و تعزیرات توسط افرادی جز نهادهای قضایی^{۱۵} از جمله ملزومات در اجرایی سازی این فریضه است.

مبانی تایید حریم خصوصی در قرآن کریم

بحث درباره مبانی حریم خصوصی از این جهت در خور توجه است که بدانیم متون دینی، نسبت به حریم خصوصی چه نوع جهت گیری داشته است؛ چرا که بدون توجه به رهنمودهای اسلامی به مقوله حریم خصوصی بر امکان برداشت‌های افراطی و تفریطی از فریضه امر به معروف و نهی از منکر، افزوده خواهد شد. مبانی قرآنی که به موجب آن وجود حریم خصوصی در آیین اسلام به رسمیت شناخته شده عبارت است از:

۱. انتخاب گری انسان

اثبات و ضرورت حریم خصوصی در هر بُعدی از آن که متصور است، نیازمند شناخت انسان و جایگاه هستی شناسانه او در جهان بینی دینی است. از آنچه قرآن درباره آفرینش انسان به عنوان خلیفه و جانشین خدا بر روی زمین بازگو می‌کند استفاده می‌شود که گرچه انسان با خصوصیات آفریده شده که زمینه فساد در او فراهم است؛ اما حیات مختارانه و قدرت انتخاب او را از تمام موجودات ممتاز ساخته است. اختیار انسان در نگرش قرآنی پرتوی از مشیت الهی است که زمینه ابتلاء و امتحان و بروز شخصیت او را فراهم می‌آورد. بر این مبنا دین در قالب تکالیف و مقررات در صدد نابودسازی این حکمت و سلب حق انتخاب از انسان نیست، بلکه دین می‌خواهد انسان با اراده کامل و باور راستین به سوی خوبی‌ها روی آورد. در این چارچوب، کلیه روابط فردی و اجتماعی انسان مشخص می‌گردد و اثبات می‌شود حال که او دارای حق انتخاب است، پس نباید در حوزه تکوین و به نحو جزئی تحت کنترل عوامل پیرامونی باشد و اختیار او نفی شود. لذا اصل قرآنی آن است که آزادی به ودیعه نهاده شده در ساحت



وجودی انسان به رسمیت شناخته شود؛ مگر آنکه حریم مختارانه او با حقوق دیگران در تضاد باشد و یا اینکه حیات انسانی و فلسفه وجودی او را به مخاطره بیندازد.

۲. برخورداری انسان از حق حیات

یکی دیگر از مبانی حریم خصوصی، حق حیات است. با مطالعه قرآن روشن می‌شود که انسان بذاته کرامت و ارزش دارد. (اسراء: ۷۰) به همین دلیل کشتن انسان‌ها از بزرگترین گناهان محسوب می‌شود. (مائده: ۳۲ و نساء: ۹۳) از این مهمتر حق حیات معنوی انسان- هاست. ظلم کردن، تهمت زدن، خدشه دار کردن آبروی افراد و ... از جمله اسباب سلب کننده این حق مسلم محسوب می‌شود. کرامت انسان اقتضاء می‌کند که حیثیت، آبرو، ناموس و اموال او در مصونیت کامل باشد.

۳. تجهیز انسان به قوای عقل

یکی دیگر از مبانی قرآنی که با موضوع حریم شخصی ارتباط وثیقی دارد، جایگاه اندیشه ورزی در اندیشه اسلامی است. ایده‌های دینی و ارزش‌های اخلاقی در جریان مبادله افکار محک می‌خورد و با اتکای به عقل و برهان ترویج می‌شوند. حریم شخصی افراد، عرصه‌ای برای تدبیر معاش و نظارت‌های درونی است؛ لذا اگر اسلام برای عقل‌گرایی اهمیت بسیاری قائل است؛ روشن می‌شود که حریم شخصی نیز از ارزش فراوانی برخوردار است. در فرهنگ قرآنی، بدترین جنبنده‌ها در نظر خدا کسانی هستند که در زندگی از عقل استفاده نمی‌کنند. (انفال: ۲۲) شناخت جهان، هدایت و تربیت بستگی به استفاده از عقل دارد. (انعام: ۳۲، بقره: ۴۴) جایگاه رفیع عقل در اندیشه قرآنی تا بدانجاست که خداوند بر بندگان به واسطه اعطای این موهبت، منت نهاده است. (بقره: ۱۶۲، انفال: ۲۲)



مصادیق حریم خصوصی در قرآن کریم

در آیات متعددی از قرآن کریم بر لزوم صیانت از حریم شخصی تاکید شده و در قالب احکامی تکلیفی از ماهیت و محتوای آن حمایت شده است. از جمله آیاتی که به صراحت بدین موضوع اختصاص یافته عبارتند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَوْ يَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ» (حجرات: ۱۷)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمانها بپرهیزید که پاره‌ای از گمانها گناه است و جاسوسی نکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ از آن کراهت دارید.»

غالباً سوء ظن به دیگران منشاء تفتیش در امور خصوصی آنان می‌شود. در آیات قرآنی موضوع ورود به حریم شخصی افراد به شدت مذمت شده تا بدانجا که افراد از سوء ظن درباره گفتار و اعمال دیگران، به عنوان ابتدایی‌ترین گام در مسیر تجسس، نهی شده‌اند. توصیه قرآن اکتفاء به ظاهر اعمال و گفته‌های دیگران است، بدون آنکه ظواهر با سوء ظن مورد تفتیش قرارگیرد.

تجسس عیوب دیگران یا تفحص از امور پنهانی مردم و فاش سازی آن، از جمله دیگر عوامل تهدید کننده حریم شخصی افراد به شمار می‌رود که در این آیه مورد توجه قرار گرفته است. در این آیه از غیبت به عنوان عامل تخریب هويت و شخصیت اجتماعی افراد نیز یاد شده است. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد:

«غیبت اجزای مجتمع بشری را یکی پس از دیگری فاسد می‌سازد و از صلاحیت داشتن آن آثار صالحی که از هر کسی توقعش می‌رود ساقط می‌کند و آن آثار صالح عبارت است از اینکه هر فرد از افراد جامعه با فرد دیگر بیامیزد و در کمال اطمینان خاطر و سلامتی از هر خطری با او یکی شود و ترسی از ناحیه او به دل راه ندهد و او را انسانی عادل و



صحیح بدانند و در نتیجه با او مانوس شود. نه اینکه از دیدن او بیزار باشد... این قطع رابطه را هر چند اندک باشد، وقتی در بین همه افراد جامعه در نظر بگیریم، آن وقت می‌فهمیم که چه خسارت بزرگی به ما وارد آمده است.»^{۱۸}

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (نور: ۲۷)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست داخل مشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گوید. این برای شما بهتر است، باشد که پند گیرید.»

استیناس برای داخل شدن خانه به وسیله نام خدا بردن و امثال آن، تا صاحب خانه بفهمد که شخصی می‌خواهد وارد شود و خود را برای ورود او آماده کند، چه بسا می‌شود که صاحب خانه در حالی قرار دارد که نمی‌خواهد کسی او را به آن حال ببیند و یا از وضعی که دارد با خبر شود. از اینجا معلوم می‌شود که مصلحت این حکم پوشاندن عورات مردم و حفظ ایمان است، پس وقتی شخص داخل شونده هنگام دخولش به خانه غیر، استیناس کند و صاحب خانه را به استیناس خود آگاه سازد و بعد داخل شده و سلام کند، در حقیقت او را در پوشاندن آنچه باید بیوشاند کمک کرده و نسبت به خود ایمنی‌اش داده و از استمرار این شیوه قلب‌ها مالوف می‌شود و سعادت اجتماعی حاصل می‌گردد.^{۱۹}

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا﴾ (احزاب: ۵۸)؛ «و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی‌آنکه مرتکب [عمل زشتی] شده باشند آزار می‌رسانند، قطعاً تهمت و گناهی آشکار به گردن گرفته‌اند.»

از نظر علامه طباطبایی آیه آزار مومنان چنانچه در قالب قصاص، حد شرعی و تعزیر نباشد گناه محسوب نمی‌شود چرا که اجرای فرمان شارع بوده است. در غیر این چند صورت خدای تعالی آزار مؤمنین را بهتان نامیده است. بهتان دروغ بستن به کسی در پیش روی شخص و یا نسبت جرم به بی‌گناهی دادن است و بدین سبب «ائم مبین» یا گناه آشکار



خوانده شده که گناه بودن آن از جمله اموری است که عقل انسان آن را درک می‌کند و احتیاجی به نهی شارع در آن زمینه نیست.^{۲۰}

از این آیه می‌توان استنباط کرد، حریم خصوصی افراد حوزه‌های مکانی، آبرویی، مالی و جانی آنان را شامل می‌شود. این حوزه‌ها کاملاً جنبه شخصی دارد و نباید مورد دستبرد دیگران قرار گیرد و از آنجا که این قلمرو به عنوان یک حق محسوب می‌شود، دیگران در برابر آن تکلیف دارند و نمی‌توانند با دلایل احتمالی به آن وارد شوند و یا به افشای آن بپردازند.^{۲۱}

نقد تقابل امر به معروف و نهی از منکر با حریم خصوصی

هدف از تبیین معنا، قلمرو و مصادیق امر به معروف و نهی از منکر و حریم خصوصی، پاسخ دادن به شبهه تقابل این دو مفهوم در مقام اجرا بود.

از بررسی رویکرد قرآن به این دو مقوله چنین بر می‌آید که صیانت از حریم خصوصی به تنهایی هدف نیست. از آنجا که حائز اهمیت ترین خصیصه انسان، حق انتخاب است، مسلماً باید این مهم را پاسداشت و نباید این حریم به گونه‌ای تفسیر شود که خود را نفی کند. حیطه حریم خصوصی نباید آنچنان موسع فرض شود که حیات اجتماعی انسان را از تفسیر و توجیه منطقی ساقط نماید و منجر به سقوط یا بی اعتباری مسئولیت همگانی افراد در قبال یکدیگر شود.

ترسیم و تایید حریم خصوصی در فرهنگ قرآنی برای شکوفایی اندیشه و امنیت انسان است؛ بی گمان در تشریح قوانین اجتماعی نمی‌توان تا حدی درباره وسعت حریم خصوصی حکم کرد که منجر به آسیب رسانی به صلاح دیگر افراد جامعه گردد.

مسئله انواع مختلف حریم‌ها ممکن است دچار خلاءها و نقصان‌هایی شود. حریم خصوصی نیز از این قاعده مستثنا نیست. در کنار امتیازاتی که حریم خصوصی داراست، این کاستی را



دارد که ممکن است کسانی از آن سوء استفاده کنند و آن را مستمسکی برای رواج بی بند و باری قرار دهند. لذا باید به شناخت چنین آفتهایی پرداخت و از بروز آن پیشگیری کرد. سلاح قرآنی برای پیشگیری و یا در صورت وقوع ریشه کنی چنین تقیصه‌ای، اصل نظارت عمومی (امر به معروف و نهی از منکر) است. اسلام همان گونه که بر لزوم صیانت از حریم خصوصی صحه گذاشته و نسبت به مسئولیت اهل دانش در این باره تذکر داده است و می‌فرماید:

﴿لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّائِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ اللَّائِمُ وَ أَكَلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾
(مائده: ۶۳)؛ «چرا الهیون و دانشمندان، آنان را از گفتار گناه [آلود] و حرامخوارگی‌شان باز نمی‌دارند؟ راستی چه بد است آنچه انجام می‌دادند.»

در آیه‌ای دیگر نسبت به اقوام پیشین می‌فرماید: ﴿لَعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ (مائده: ۷۸ و ۷۹)؛ از کار زشتی که آن را مرتکب می‌شدند، یکدیگر را باز نمی‌داشتند. راستی، چه بد بود آنچه می‌کردند. بسیاری از آنان را می‌بینی که با کسانی که کفر ورزیده‌اند دوستی می‌کنند. راستی چه زشت است آنچه برای خود پیش فرستادند، [در نتیجه] خدا بر ایشان خشم گرفت و پیوسته در عذاب می‌مانند.»

یکی از عوامل خدشه دار شدن حریم خصوصی، ترویج بی بند و باری، فساد و فحشا است. چنانچه حریم خصوصی افراد تبدیل به محدوده‌ای برای هتک محرمات الهی شود و دسترسی به گناهان آسان گردد، در حقیقت کرامت انسانی بی ارزش شده است. نمی‌توان اجازه داد حریم خصوصی تا این درجه خفیف شود که حیات معنوی افراد مورد مخاطره قرار گیرد و خواسته‌های او مبتذل گردد.

بنابراین بی بند و باری و رواج فساد اخلاقی از اموری نیستند که جامعه دینی به بهانه حفظ حریم شخصی، اجازه تجویز آن را صادر نماید. لذا حریم شخصی در صورتی که امنیت



اخلاقی جامعه و حقوق اجتماعی افراد را در معرض مخاطره قرار دهد، با فریضه امر به معروف و نهی از منکر کنترل می‌شود.

نتیجه گیری

- بر اساس یافته‌های این تحقیق، مطابق دیدگاه قرآن کریم، امر به معروف و نهی از منکر با حریم شخصی افراد در تضاد نیست؛ زیرا معروف، ارزش‌های مقبول و پذیرفته شده جوامع است.

- امر به معروف و نهی از منکر باعث نقض حریم شخصی نمی‌شود؛ زیرا انجام آن با رعایت مراحل به نحو تدریجی و با در نظر گرفتن شرایط مختلف تحقق می‌یابد و همچون دیگر فرائض با نظارت متخصصان دینی انجام می‌شود.

پی نوشت‌ها:

۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، العين، ج ۸، ص ۲۹۷.
۲. معلوف، لوییس، المنجد فی اللغة و الاعلام، ص ۵۰۰ و ۸۳۶.
۳. نجفی، محمد حسین، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۵۶.
۴. جرجانی، میر سید شریف، تعریقات، ج ۱، ص ۱۶.
۵. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، (سید محمد باقر همدانی)، ج ۸، ص ۴۹۷.
۶. سید محمد هاشمی، حقوق اساسی، ج ۱، ص ۲۳۶.
۷. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، (تحقیق سید احمد هاشمی)، ج ۶، ص ۳۹.
۸. رک: علامه حلی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۱۵، ص ۲۶۰.
۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۳، ص ۱۶۵.
۱۰. انصاری، باقر، حقوق حریم خصوصی، ص ۳۸.
۱۱. اسکندری، مصطفی، ماهیت و اهمیت حریم خصوصی، حکومت اسلامی، ش ۴، ص ۱۵۷.
۱۲. انصاری، باقر، حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۶، ص ۷.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۷۳.
۱۴. مدرسی، سید محمد تقی، من هدی القرآن، ج ۱، ص ۶۳۳.
۱۵. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۹، ص ۲۶۱.
۱۶. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۴، ص ۸۲۱.
۱۷. حلی، نجم الدین جعفر بن حسن محقق، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۱، ص ۳۱۳.
۱۸. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۳۲۴.
۱۹. همان، ج ۱۵، ص ۱۰۹.
۲۰. همان، ج ۱۶، ص ۳۳۹.
۲۱. فضل الله، محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، ج ۱۸، ص ۳۴۷.



منابع:

قرآن کریم ترجمه فولادوند.

۱. اسکندری، مصطفی، «ماهیت و اهمیت حریم خصوصی»، حکومت اسلامی، ش ۴، زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۵۷.
۲. انصاری، باقر، حقوق حریم خصوصی، سمت، تهران، ۱۳۸۶.
۳. انصاری، باقر، «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۶، زمستان ۱۳۸۳.
۴. جرجانی، میر سید شریف، تعریفات، ناصر خسرو، تهران، بی تا.
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران، بی تا.
۶. امام خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، دار العلم، قم، بی تا.
۷. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۷.
۸. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵.
۹. علامه حلی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ج ۳، ۱۳۸۷.
۱۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، انتشارات هجرت، قم، ۱۴۱۰.
۱۱. فضل الله، محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، دار الملائک للطباعة و النشر، بیروت، بی تا.
۱۲. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
۱۳. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، اسمائیلیان، قم.
۱۴. معلوف، لویس، المنجد فی اللغة و الاعلام، دار المشرق، بیروت، ۱۹۹۸.
۱۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۷، بی تا.
۱۶. مدرسی، سید محمد تقی، من هدی القرآن، دار محیی الحسین، تهران، ۱۴۱۹.
۱۷. نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام، دار المکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۰.
۱۸. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی، ج ۱، میزان، تهران، ۱۳۸۲.

